

# Investigation and Adaptation of Animal-related Motifs in Ancient Elam with Bakhtiari culture

Majid Sarikhani<sup>1</sup>, Amin Babadi Akasheh<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Archaeology, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)

<sup>2</sup> M.A. Department of Archaeology, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Graduated Student)

(Received: 03.06.2023, Revised: 26.07.2023, Accepted: 29.07.2023)

[https://doi.org/ 10.22075/AAJ.2023.30928.1178](https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.30928.1178)

## Abstract:

Many customs of the Bakhtiari kinfolk are accompanied by ambiguities that can be adequately answered by comparing them with the archaeological findings of the Elam civilization, because animals were of special importance in ancient Elam and many cultural works left from the civilization of Elam have motifs related to animals and they have played an important role in the culture of the Bakhtiari people since long ago. Therefore, this research tries to investigate the comparative presence of animals such as lions, snakes, goats, etc. in the civilization of Elam and the Bakhtiari people. This research tries to answer these questions, which findings indicate the transfer of the concept of these motifs from the civilization of Elam to the Bakhtiari culture, and in what aspects of the Bakhtiari culture can it be seen? The research method is descriptive-analytical with field investigation with a comparative approach. The aim of the research is to examine and compare the motifs related to animals in ancient Ilam with the culture of the Bakhtiari people and it is also a study of the influence of these characters in the culture of the Bakhtiari people and by doing this research, the origin of sanctity and importance of the most important animals in Bakhtiari culture is determined and it is also proven to some extent that considering the relatively long time that has passed since the ancient Elam rule, traces of their culture can still be observed in the culture of the Bakhtiari people. The statistical population of the research includes 32 works of archaeological and artistic evidence decorated with motifs related to animals from the civilization of Elam. The research results show that the position, role and importance of animals such as; Lion, snake and goat in Bakhtiari culture and in the nomadic areas of Khuzestan, Chaharmahal and Bakhtiari province, the same importance and role of animals in Ilam civilization is continued. The continuity of these motifs has been influenced in Bakhtiari culture from Ilam in two ways: One is the transmission of religious and theoretical concepts that have come in different and partial forms from Bakhtiari culture as; Determining the gender of the child by using the carcass of a snake and animal sacrifice to remove the plague and the other in the form of tangible works such as; Bardshir and the use of horns in architecture and religious ceremonies.

**Keywords:** Ancient Elam; Bakhtiari tribes; Culture; Related Motifs; Animals

<sup>1</sup> Email: sarikhani.majid@sku.ac.ir

<sup>2</sup> Email :a.babadi72@gmail.com

How to cite: Sarikhani, M., Babadi Akasheh, A. (2023). 'Investigation and Adaptation of Animal-Related Motifs in Ancient Elam with Bakhtiari Culture', Journal of Applied Arts, 2(4), pp. 51-69. doi: 10.22075/aaj.2023.30928.1178

# بررسی و تطبیق نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در ایلام باستان با فرهنگ قوم بختیاری

مجید ساریخانی<sup>۱</sup>، امین بابادی عکاشه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.30928.1178>

مقاله علمی-پژوهشی

## چکیده

بسیاری از آداب و رسوم قوم بختیاری همراه با ابهاماتی است که می‌توان از طریق تطبیق آن‌ها با یافته‌های باستان-شناختی تمدن ایلام به آن‌ها پاسخ مناسب داد چرا که حیوانات در ایلام باستان دارای اهمیت ویژه‌ای بودند و بسیاری از آثار فرهنگی که از تمدن ایلام بر جای مانده دارای نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات است، و از دیرباز تا کنون نقش مهمی در فرهنگ قوم بختیاری داشته‌اند. بنابراین به عنوان مساله اصلی این پژوهش تلاش دارد که به بررسی تطبیقی حضور پررنگ حیواناتی مانند شیر، مار، بز و غیره در تمدن ایلام و قوم بختیاری بپردازد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی همراه با بررسی میدانی با رویکردی تطبیقی است. اهداف پژوهش، بررسی و تطبیق نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در ایلام باستان با فرهنگ قوم بختیاری و همچنین بررسی نفوذ این نقش‌مایه‌ها در فرهنگ مردمان این قوم است. با انجام این پژوهش، منشأ تقدس و اهمیت حیوانات مورد توجه فرهنگ بختیاری مشخص می‌شود و همچنین تا حدودی اثبات می‌گردد که باتوجه به زمان نسبتاً زیادی که از حکومت ایلام باستان می‌گذرد، هنوز هم می‌توان ردپایی از فرهنگ آن‌ها را در قوم بختیاری مشاهده کرد. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۲ اثر از شواهد باستان‌شناختی و هنری مزین به نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات از تمدن ایلام است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد جایگاه و اهمیت حیواناتی مانند شیر، مار و بز در فرهنگ بختیاری و در مناطق عشایری استان خوزستان و چهار محال و بختیاری، تداوم همان اهمیت و نقش حیوانات در تمدن ایلام است. تداوم این نقش‌مایه‌ها به دو صورت از ایلام در فرهنگ بختیاری نفوذ پیدا کرده است: یکی، انتقال مفاهیم اعتقادی و نظری که به صورت‌های مختلف و جزئی از فرهنگ بختیاری درآمده است؛ مانند تعیین جنسیت فرزند با استفاده از لاشه مار و قربانی حیوانات برای رفع بلا و دیگری، به صورت آثار ملموس مانند بردشیر و استفاده از شاخ در معماری و مراسم مذهبی است.

**واژه‌های کلیدی:** ایلام باستان، قوم بختیاری، فرهنگ، نقش‌مایه، حیوانات.

<sup>1</sup> Email: sarikhani.majid@sku.ac.ir

<sup>2</sup> Email: a.babadi72@gmail.com

شیوه ارجاع به این مقاله: ساریخانی، مجید، بابادی عکاشه، امین. (۱۴۰۱). بررسی و تطبیق نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در ایلام باستان با فرهنگ قوم بختیاری. نشریه تخصصی هنرهای کاربردی، ۴(۴)، ۵۱-۶۹. Doi: 10.22075/aaaj.2023.30928.1178

## مقدمه

دلیل جامعه‌شناختی احترام به گذشته را نمی‌دانیم (هاوزر، ۱۳۶۲: ۱)؛ اما احترام به گذشته و تداوم فرهنگ و هنر آنان ممکن است در قالب رفتارهایی نمود پیدا کند؛ به نحوی که از طریق آثار باستانی به عصر حاضر منتقل شده‌اند. یکی از راه‌های اثبات و یافتن منشأ رفتارهای ناشناخته مردمان سنتی امروز، بررسی و تطبیق این رفتارها با نقش‌مایه‌های به‌جامانده از دوران باستان است. بسیاری از آداب و رسوم فرهنگ حاکم بر بختیاری، دارای ابهامات فراوانی است که می‌توان از طریق تطبیق آن‌ها با نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در آثار باستان‌شناختی مربوط به ایلام باستان به آن‌ها پاسخ مناسب داد. بسیاری از آثار فرهنگی که از این تمدن بر جای مانده است، دارای نقش‌مایه‌های مرتبط با حیواناتی است که در منطقه وجود داشته‌اند. حضور پررنگ حیواناتی مانند شیر، مار، بز، گوسفند و گاو در آثار هنری آنان بر این گفته مٌهر تأیید می‌زند و نشان می‌دهد زندگی مذهبی ایلامیان تا چه حدی وابسته به عناصر و موجودات طبیعت بوده است. شاید این گفته اغراق نباشد که بیش از نود درصد از نقوش مٌهرهای استوانه‌ای ایلامیان را نقش حیوان تشکیل می‌دهد که نماد دنیای ناشناخته ایلام محسوب می‌شود (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۲۵). بسیاری از حیوانات در ابعاد گوناگون فرهنگ بختیاری، دارای جایگاه و اهمیت فراوان هستند (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۲-۵۳؛ جلودار و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۷).

یکی از راه‌هایی که با آن می‌توان منشأ این تقدس‌گرایی به حیوانات و ارزش و اهمیت آن‌ها را در فرهنگ بختیاری پیدا کرد، تطبیق نحوه حضور این حیوانات در زندگی بختیاری‌ها با آثار باستانی تمدن

ایلام است. شواهد باستان‌شناسی در منطقه جنوب غرب ایران، از وجود نیاکان فرهنگی بختیاری‌ها در ادوار مختلف سخن می‌گوید (علیزاده، ۱۳۸۷: ۲۱). با ورود به جزئیات فرهنگ مردمان بختیاری و مقایسه و تحلیل آن، به‌وضوح می‌توان تداوم و ردّ پای فرهنگ‌های گذشته را مشاهده و توجیه کرد. بررسی و تطبیق نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات موجود در آثار فرهنگی تمدن ایلام باستان با فرهنگ قوم بختیاری در راستای پاسخ‌گویی به این سوالات است: عمده یافته‌هایی که می‌تواند نگرش ما را به انتقال مفهوم این نقش‌مایه‌ها از تمدن ایلام به فرهنگ بختیاری اثبات کند، شامل چه آثاری است و در چه جنبه‌هایی از فرهنگ بختیاری قابل‌مشاهده است؟ همچنین بیشترین نمود نقش‌مایه‌های مذکور در بین مردم کدام مناطق مشاهده می‌شود و دلایل آن چیست؟ هدف از این پژوهش، بررسی و تطبیق نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در ایلام باستان است که به صورت‌های مختلفی در جنبه‌های گوناگون فرهنگ مردمان قوم بختیاری نمود پیدا کرده است. به‌طور کلی، این پژوهش تلاش دارد بر اساس واکاوی ۳۲ نمونه از آثار و شواهد باستان‌شناختی به‌جامانده از تمدن ایلام که دارای نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات هستند، نشان دهد این نقش‌مایه‌ها به چه صورت در فرهنگ مردمان قوم بختیاری نمود پیدا کرده‌اند. انجام این پژوهش می‌تواند منشأ تقدس و اهمیت حیواناتی را که در فرهنگ بختیاری مورد توجه بیشتری هستند، مشخص کند و تا حدودی اثبات کند که باتوجه‌به گذشت زمان نسبتاً زیادی از حکومت ایلام، هنوز هم می‌توان ردّ پای این فرهنگ آن‌ها را در فرهنگ مردم بختیاری مشاهده کرد. از ضرورت‌های انجام این تحقیق به ذکر همین نکته بسنده می‌شود که انجام‌نشدن این

پژوهش، باعث ابهام در چگونگی و میزان انتقال فرهنگ ایلام باستان از طریق نقش‌مایه‌های حیوانی به فرهنگ بختیاری خواهد شد و همچنین باعث می‌شود بسیاری به‌اشتباه، سرآغاز رفتارهای مذهبی انتقال‌یافته از گذشته به فرهنگ بختیاری را به دوران جدیدتر محدود کنند.

### پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی مرتبط با موضوع این مقاله انجام نشده است؛ اما اشاراتی در ارتباط با فرهنگ، آداب و رسوم تمدن ایلام و قوم بختیاری در سفرنامه‌ها، آثار مورخان و منابع باستان‌شناسی (در بررسی‌ها، نوشته‌ها و نتایج کاوش‌ها) داشته‌اند که نمی‌تواند به پرسش‌های بی‌شماری که در این زمینه وجود دارد، پاسخ دهد. ارفعی و علیزاده (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان "بختیاری‌ها ایلامیان جدیدند" (چاپ شده در نشریه زاگرس ایران) از جمله کسانی هستند که به تداوم فرهنگ ایلام در بین مردمان قوم بختیاری اشاره داشته‌اند. کوهزاد و خراسانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با نام «تداوم سنت‌های ایلامی در ایل بختیاری» ارایه شده در سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، مطالبی در این زمینه بیان کرده‌اند. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باقری‌نسب (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی تطبیقی مراسم اجتماعی بختیاری‌ها با نمونه‌های باستانی آن در تاریخ ایران»، اشارات مختصری به موضوع مورد مطالعه ما در این پژوهش شده است؛ بنابراین تاکنون پژوهشی مرتبط با موضوع این مقاله صورت نگرفته است؛ به همین دلیل، یافتن ارتباطی معقول، منطقی و علمی بین نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در آثار هنری تمدن ایلام و تداوم آن‌ها به صورت‌های مختلف

در جنبه‌های گوناگونی از فرهنگ و هنر مردمان بختیاری، از نوآوری‌های این پژوهش است.

### روش پژوهش

روش به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش، توصیفی-تطبیقی است که رویکردی تاریخی را دنبال می‌کند. اطلاعات اصلی این پژوهش با بررسی و تحلیل نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در مواد باستان‌شناختی به‌جامانده از تمدن ایلام باستان و سپس تطبیق آن‌ها با نمونه‌های قابل‌مقایسه در فرهنگ بختیاری به دست آمده است. نگارندگان برای یافتن پاسخ مناسب به پرسش‌های خود و آشنایی بیشتر با فرهنگ بختیاری، ضمن بررسی منابع مطالعاتی کتابخانه‌ای، از مناطق بختیاری‌نشین که زندگی عشایری و سنتی پررنگ‌تری دارند، بازدید میدانی به عمل آورده و اقدام به عکس‌برداری از آثار و گفت‌وگو با بزرگان آن‌ها کرده‌اند.

### قلمرو مکانی و بازه زمانی پژوهش

داده‌های باستان‌شناختی مطالعه‌شده در این پژوهش که برای بررسی و تطبیق نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات به آن‌ها استناد شده، از تمدن و حوزه جغرافیایی متعلق به حکومت ایلام باستان به دست آمده است. هم‌پوشانی این داده‌ها با موارد قابل‌تطبیق خود در دوره معاصر و در محدوده جغرافیایی مردمان بختیاری در دو استان چهارمحال و بختیاری (درخشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲ و ۸۳) و خوزستان (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴؛ ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲؛ کابلی، ۱۳۷۳: ۱۲۱) انجام گرفته است. جمعیت بختیاری در استان‌های چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان، اصفهان و سایر

و تحلیل نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در ۳۲ نمونه از آثار باستانی به‌جامانده از تمدن ایلام پرداخته می‌شود که به طرق مختلف در فرهنگ بختیاری‌ها نمود پیدا کرده است؛ بدین صورت که ابتدا نقش‌مایه‌های حیوانی موجود در این آثار، شناسایی، بررسی و تحلیل شده و سپس با موارد مرتبط در جنبه‌های مختلف فرهنگ بختیاری، تطبیق داده شده است.

### نقش‌مایه جانوری شیر در ایلام و تداوم آن در فرهنگ قوم بختیاری با نام برد شیر

تکرار نقوش جانوران و فراوانی کاربرد آن‌ها بازتاب اعتقاد مردمان هر سرزمین است (راشدمحصل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶). شیر به‌عنوان قدرتمندترین موجود جنگل و نماد قدرت، از دیرباز تاکنون مورد توجه بوده است تا جایی که به پهلوانانی که از لحاظ فیزیکی از بقیه سرآمد بودند، لقب شیر داده می‌شد. عنصر جانوری شیر در بسیاری از فرهنگ‌های باستان شناخته‌شده بود. در بین‌النهرین، در دوران پادشاهی آشوربانی‌پال، شکار شیر توسط پادشاه، همراه با مراسم مذهبی و تشریفات خاصی انجام می‌شد (مجیدزاده، ۱۳۷۹: ۱۳۱). بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی، در فرهنگ ایران نیز از هزاره‌های قبل از میلاد و دوران تاریخی، استفاده از نماد شیر بر عناصر مربوط به معماری، منسوجات، فلزها و سایر مواد متداول بود (پرادا، ۱۳۹۱: ۹۲). استفاده از نقش جانور شیر در فرهنگ تصویری ایران، پیشینه‌ای کهن دارد و در نقش‌برجسته‌ها به‌شکل پیکرک‌های آیینی و تزئینی یا حتی به‌شکل تَکوک و سرسنجاق دیده می‌شود (فرزین، ۱۳۸۴: ۹۹-۱۴۰). بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده بر نقوش مهرهای استوانه‌ای

استان‌ها مانند تهران، فارس، کرمان، کرمانشاه، بندرعباس و بوشهر به‌صورت پراکنده دیده می‌شود؛ اما هم‌پوشانی داده‌های پژوهش با موارد قابل تطبیق خود در دوره معاصر و در محدوده جغرافیایی مردمان بختیاری، به‌صورت موردی در دو استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان انجام گرفته است. به عبارت دیگر، مردمان و دوره زمانی مورد مطالعه در این پژوهش، یکی، مردمان بختیاری در سرحدات شمالی منطقه لُر بزرگ (لایارد، ۱۳۶۷: ۳۶) در عصر حاضر هستند که اساس زندگی آن‌ها کوچ‌نشینی (دیگار، ۱۳۶۹: ۵۸؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۳۵) است و از طریق دامداری و کشاورزی، بیلاق و قشلاق خود را در کوهپایه‌های زاگرس (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۱۶) و دشت‌های سرسبز خوزستان (ویلسن، ۱۳۴۷: ۳۹) سپری می‌کنند. این مردم تا دوره قاجار، دارای استقلال نسبی بودند و این موضوع تا جایی پیش رفته است که پژوهشگران، آن‌ها را دولتی درون دولت نامیده‌اند (Barth, 1961: 29-128; Beck, 1986: 35-52; Oberling, 1974: 195; Garthwaite, 1983: 21-40) و دیگری، حکومت ایلام باستان است که به پروتو‌لرها تعلق دارند (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۵) و در رقابت با همسایگان غربی خود (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۱) از جبال شمال و مشرق دشت سوزیانا یا شوش در ربع اول هزاره سوم ق.م به میان دشت آمده و بر ناحیه وسیعی از دشت‌ها و کوه‌ها و بخش مهمی از سواحل جنوب مستولی شده و بر اقوام مختلفی حکومت کرده‌اند (نگهبان، ۱۳۷۲: ۱۲).

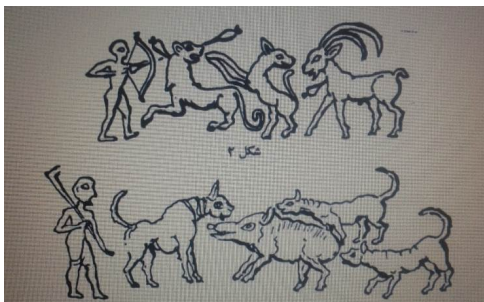
### بررسی تطبیقی داده‌های پژوهش

آداب و رسوم و زندگی روزمره سنتی بختیاری‌ها مملو از رفتارها و باورداشت‌های مذهبی است که ریشه در فرهنگ گذشته منطقه دارد. در این مبحث، به بررسی

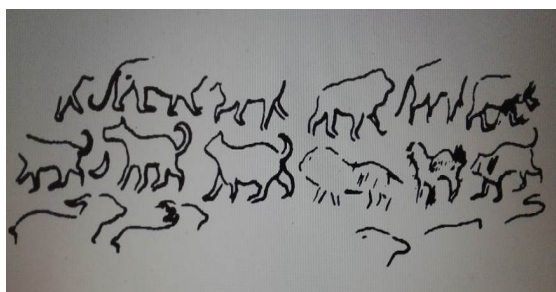
ایلام، درمی‌یابیم که نقش موسوم به شیردیو برگرفته از اعتقاد ایلامیان در ۳۰۰۰ ق.م بوده که بعدها در هزاره دوم ق.م با دخل و تصرف در هنر بین‌النهرین ظاهر می‌شود (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۵۴). شیرهایی از جنس سنگ بازمانده از پادشاهان ایلامی و بعد از آن، استفاده وسیع توسط پادشاهان هخامنشی در معماری کاخ‌ها، تعلق خاطر هنر درباری به این موجود را نشان می‌دهد.

عنصر جانوری شیر در بین رسوم مردمان سرزمین بختیاری نیز مورد توجه قرار گرفته و در بین آن‌ها از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. قبور بزرگان و دلاوران بختیاری در بیشتر محدوده جغرافیایی آن‌ها با بردشیرهایی مزین شده‌اند (قنبری عُدیوی، ۱۳۹۴: ۱۴ و ۱۵). مردان و زنان بختیاری هنگام نبرد یا انجام کاری که از عهده دیگران بر نمی‌آمد، لقب شیر می‌گرفتند. این موضوع را می‌توان از شعرهای حماسی دریافت که در نبردها یا بعد از مرگ پهلوانان در سوگ آن‌ها سروده می‌شد. نمونه بارز، علیمردان‌خان بختیاری است که در سنین نوجوانی پا به عرصه مبارزات سیاسی با حکومت پهلوی گذاشت و لقب شیر گرفت (مؤمنی موگویی، ۱۳۹۲: ۵ و ۶). به گواه روایات شفاهی و مکتوب، شیر تا روزگاری نه چندان دور در منطقه بختیاری وجود داشته است، تا جایی که چند تن از خوانین بختیاری، لقب شیرکش داشته‌اند؛ مانند اسدخان شیرکش بهداروند و اسدالله‌خان شیرکش بآبادی. ذکر شیرگشی اسدالله‌خان بآبادی را مرحوم اسکندرخان عکاشه مکتوب کرده است. این مورد از

حضور شیر در زندگی روزمره بختیاری‌ها با نقش‌مایه شیر در مهر ایلامی مربوط به هزاره سوم ق.م (شکل ۱) که در آن گله درحال فرار از شیرهاست و سپس شکارچی یا چوپان ایلامی در صحنه حاضر شده و درحال شکار شیر دیده می‌شود، تطبیق‌پذیر است (هینتس، ۱۳۸۹: ۲۷ و ۲۸).



شکل ۱- نقش‌مایه شیر و چوپان ایلامی درحال شکار شیری که به گله حمله کرده است، اثر مهر ایلامی (هینتس، ۱۳۸۹: ۲۸)

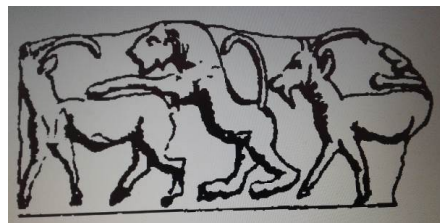


شکل ۲- نقش‌مایه شیر، ۳۲۰۰-۳۰۰۰ ق.م، اثر مهر ایلامی، موزه لوور (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۳۰۸)

به استناد نقش‌مایه شیر بر سه اثر مهر (شکل‌های ۲، ۳ و ۴) مورد پژوهش توسط رضا مهرآفرین، شیر یکی از حیوانات بومی منطقه ایلام در هزاره چهارم و سوم ق.م محسوب می‌شد. گهگاهی این حیوان درنده به دلیل کمی وجود شکار، به گله‌های بز، گوسفند و گاو حمله می‌کرد؛ اما با مقاومت شدید چوپان‌ها یا شکارچیان مواجه می‌شد (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۱۶۰-۱۶۲).



شکل ۴. نقش مایه شیر در حال حمله به گله، اثر مهر کشف شده از چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م، جنس بدل چینی، منبع: (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۳۰۸)



شکل ۳- نقش مایه شیر، اثر مهر ایلامی، شوش، ۳۰۰۰ ق.م، منبع: (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۳۰۸)

سنگی به شمالیل شیر ساخته و روی قبر وی نصب می‌کنند که در بختیاری بدان بردشیر می‌گویند. این بدان معناست که فردی خفته درون این مقبره، روزگاری همچون شیر، دارای روحیه شجاعت و سلحشوری بوده و اکنون تندیس شیر به یادبود وی بر مزارش گذاشته شده است (شکل ۵).

جهانگردانی که از سرزمین بختیاری دیدن کرده‌اند، کمابیش به گورستان‌هایی اشاره دارند که دارای بردشیر بوده‌اند (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۱۷۰-۱۷۴). بیشترین کاربرد عنصر جانوری شیر در فرهنگ قوم بختیاری، در آداب و رسوم مذهبی و روی قبور بزرگان و دلاوران آنهاست. بختیاری‌ها هنگام تزیین قبور مردان نامی و پهلوانان مشهور،



شکل ۷- بردشیر مربوط به ۲۲۵۰ ق.م از دوره پوزور اینشوشیناک، ایلام نو، منبع: (آمیة، ۱۳۹۴: ۱۳۰)



شکل ۶- مجسمه الهه نارونتی از جهات مختلف دارای نقش مایه شیر، منبع: (صراف، ۱۳۸۷: ۱۵۰)



شکل ۵- نمونه بردشیر بختیاری، خوزستان، لالی، پدیده، روستای کهناب عکاشه منبع: (نگارندگان)

خصوصیت‌های مردانه بوده‌اند، بردشیر نصب می‌کردند. نخستین استفاده از نقش مایه جانوری شیر به صورت ترکیبی در دوران تاریخی ایران به اوایل حکومت ایلام باستان بازمی‌گردد (پرادا، ۱۳۹۱: ۲۸). ایلامیان شیر را می‌شناختند و به ویژگی‌های این موجود کاملاً آگاه بودند؛ به دلیل، نمونه‌های زیادی را می‌توان نام برد که حضور شیر را در هنر ایلام به نمایش می‌گذارد. در اثر

شایان ذکر است نصب بردشیر بر قبور بزرگان، در بیشتر جغرافیای وسیع لرنشین، به وفور مشاهده می‌شود. نمونه بردشیرهای بختیاری را می‌توان در استان‌های دیگر، از جمله لرستان و اصفهان نیز مشاهده کرد که یادآور حضور بختیاری‌ها در ادوار مختلف در این سرزمین‌ها بوده است. روایت شده است در گذشته بر قبور بعضی از زنان که دارای



شکل ۹- شیر روی قطعه چرخ‌دار، معبد اینشوشیناک، اواخر هزاره دوم ق.م، منبع: (آمیة، ۱۳۹۴: ۱۸۷)



شکل ۱۰- شیر محافظ معبد، اوایل هزاره دوم ق.م، جنس گل‌پخته کشف‌شده از شهر مقدس، منبع: (آمیة، ۱۳۹۴: ۱۶۳)

شیر لمیده بر قطعه چرخ‌داری در قبری واقع در همسایگی معبد اینشوشیناک، مربوط به اواخر هزاره دوم ق.م که با نقش ستاره‌ای بر شانه شیر، تزیینات روی بردشیرهای بختیاری را تداعی می‌کند (شکل ۹)، شیر محافظ معبد (شکل ۱۰) مربوط به اوایل هزاره دوم ق.م از جنس گل‌پخته کشف‌شده از حفريات شهر مقدس در سال ۱۹۳۳-۱۹۳۴، شباهت زیادی با بردشیرهایی دارد که بختیاری‌ها بر قبور بزرگان و دلاوران خود نصب می‌کنند. تداوم و انتقال نقش‌مایه جانوری شیر از تمدن ایلام باستان به فرهنگ قوم بختیاری، با آداب و رسوم و زندگی روزمره آن‌ها در بردشیرتراشی برای نصب بر قبر بزرگان در قبرستان‌های دارای بردشیر در دو استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان، بیشتر از سایر مناطق است (جدول ۱).

مُهری که روی در ظرفی از شوش در ۳۲۰۰-۳۰۰۰ ق.م به دست آمده است و هم‌اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود، تصویر دو شیر جوان و چابک را در حالتی می‌بینیم که در مرکز صحنه قرار گرفته و پشت به هم داده‌اند (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۱۵۳ و ۱۵۴). شیر در بین‌النهرین، حیوان مخصوص الهه ایشتار و رب‌النوع جنگ و عشق بود (آمیة، ۱۳۹۴: ۴۸؛ صراف، ۱۳۸۷: ۱۴۰). مجسمه فاقد سر الهه نارونته از جنس سنگ آهک با ارتفاع ۸۴ و عرض ۴۷ سانتی‌متر که در سال ۱۹۰۴ به وسیله ژاک دیمورگان<sup>۲</sup> در آکروپل شوش کشف شد (شکل ۶)، عنصر شیر را در حالی به نمایش گذاشته است که الهه مذکور بر تختی نشسته و نقش شش شیر، این تخت را تزیین کرده است (آمیة، ۱۳۹۴: ۴۷). نمونه بردشیرهای را که از این دوران یافت شده، می‌توان با بردشیرهای موجود در بختیاری مقایسه کرد. بردشیری از جنس سنگ آهک، متعلق به پوزور اینشوشیناک، پادشاه مقتدر سلسله اول ایلام قدیم (وان) در حدود ۲۲۵۰ ق.م که در شوش خوزستان کشف شد (شکل ۷) و همچنین بردشیری از جنس گل‌پخته لعاب‌دار یافت‌شده در بخش جنوب شرقی معبد اینشوشیناک، متعلق به دوره ایلام نو (شکل ۸) از آثار ایلامی دارای نقش شیر هستند.



شکل ۸- بردشیر ایلامی، قرون ۸ و ۷ ق.م، کشف‌شده از جنوب شرق معبد اینشوشیناک، منبع: (آمیة، ۱۳۹۴: ۲۰۰)



جدول ۱- تطبیق نقش مایه حیوانی شیر در ایلام با فرهنگ بختیاری. منبع: (نگارندگان)

جنبة مورد تطبیق در فرهنگ بختیاری	اثر ایلامی دارای نقش مایه شیر
زندگی روزمره - شکار شیر	۱. مهرهای حاوی نقش مایه جانوری شیر در هزاره سوم ق.م
زندگی روزمره - شکار شیر	۲. نقش شیر در سه اثر مهر مورد مطالعه در پایان نامه کارشناسی ارشد مهرآفرین
زندگی روزمره - شکار شیر	۳. نقش شیر بر اثر مهری روی ظرفی از شوش مربوط به ۳۲۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م که در موزه لوور نگهداری می شود
زندگی روزمره - اثر ملموس بردشیر	۴. نقش شش شیر بر تخت الهه نارونته
اثر ملموس بردشیر	۵. بردشیر آهکی متعلق به پادشاه سلسله اوان، پوزوراینشوشیناک کشف شده از شوش در ۲۲۵۰ ق.م
اثر ملموس بردشیر	۶. بردشیری از گل پخته لعابدار مربوط به دوره ایلام نو
اثر ملموس بردشیر	۷. شیر لمیده بر قطعه چرخداری در قبری در جوار معبد اینشوشیناک، اواخر هزاره دوم ق.م
اثر ملموس بردشیر	۸. شیر محافظ معبد مربوط به اوایل هزاره دوم ق.م از جنس گلی پخته کشف شده از حفريات شهر مقدس در سال ۱۹۳۳-۱۹۳۴

### نقش مایه جانوری مار در ایلام باستان و نمود آن

#### در فرهنگ قوم بختیاری

مار یکی از حیواناتی است که حجم زیادی از نقوش هنری دوران های مختلف زندگی انسان را به خود اختصاص داده است. نقش مار در ایلام بیش از هر چیز، پیوستگی خود را با ایزد آب، باروری و جهان دیگر آشکار می سازد (راشد محصل و شکیب، ۱۳۹۱: ۱۵). پرستش مار، یکی از ویژگی های مذهب ایلامی ها بود که ریشه در جادو دارد و یک نقش مایه راستین تمدن ایلام است (محمدی فر، ۱۳۷۵: ۱۹). این جانور در ایلام کاملاً شناخته شده است؛ به طوری که در نقش برجسته های ایلامی و آثار دیگر این دوره، مار در حالت های گوناگون نمایش داده شده است و ارتباط مستقیم با مذهب آنان دارد. در نقش برجسته صخره ای

کورانگون در قهلیان در کوه های بختیاری، خدای نشسته بر ماری را می بینیم که مار کوچک تری در دست دیگرش دارد (راشد محصل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶؛ صراف، ۱۳۸۷: ۱۳۷؛ آمیه، ۱۳۹۴: ۵۸ و ۵۹) (شکل ۱۱).

ایلامی ها همواره برای سحر و جادو، نیروهای جهان زیرین و عنصر زن، ارزش قائل بودند و ویژگی دیگر، پرستش مار بوده است (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۵۰). حتی سفالینه های هزاره های سوم و چهارم ق.م نیز منقوش به نقش های پیچیده مار است. نقش مار در هنر ایلام و روی در کوزه ها و سرپوش ظروف به عنوان نشانه حراست در مقابل ابلیس ظاهر می شود. همچنین مارهای منقوش، به مثابه محافظان دروازه ها روی درها می پیچند و بالا می روند (هینتس، ۱۳۸۹: ۴۸).



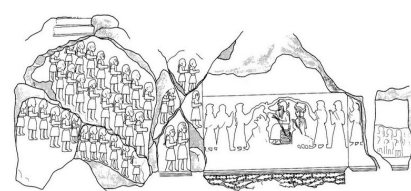
شکل ۱۴- سفال ایلامی مربوط به اواسط هزاره چهارم ق.م با نقش مار، منبع: (آمیه، ۱۳۹۴: ۸۳)



شکل ۱۳- نقش مار در سنگ یادمان اونتاشگال کشف شده از شوش، منبع: (صراف، ۱۳۸۷: ۱۶۷)



شکل ۱۲- لوح سنگی اونتاشگال با نقش خدایی احاطه شده با مار و نشسته بر مار، منبع: (صراف، ۱۳۸۷: ۵۹)



شکل ۱۱- طرح جزئیات نقش برجسته کورانگون و خدای نشسته روی مار، منبع: (صراف، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

همزاد، همیشه به هیئت انسان نیست و گاه به صورت مار یا جانوری دیگر و گاه درخت و گیاه نمایان می‌شود (اسدیان خرم‌آبادی، ۱۳۵۸: ۵۱). مَه‌ری مربوط به کوک‌ناشور اول در اوایل قرن هفدهم ق.م خدایی را نشان می‌دهد که بر ماری نشسته است یا در لوح سنگی اونتاشگال (شکل ۱۲) می‌توان نقش خدایی را دید که به وسیلهٔ مارهایی احاطه شده و روی ماری بزرگ نشسته است (آمیة، ۱۳۹۴: ۵۹-۱۷۱).

والتر هینتس یک نقش کنده‌شده بر قیر مربوط به دورهٔ ایلام را توصیف می‌کند که در آن، دو کاهن برهنه و یک گوسفند قربانی که میانشان دو مار قرار دارد، نشان داده شده است (هینتس، ۱۳۸۴: ۷۱). نقش مار در سنگ یادمان اونتاشگال در شهر شاهی شوش (شکل ۱۳) نیز به چشم می‌خورد. نمونهٔ دیگری که وجود عنصر مار را در جریان اعتقادات ایلام نشان می‌دهد، میزی است که نقش دو مار در دو طرف آن کنده شده است (آمیة، ۱۳۹۴: ۶۲). قداست مار در ایلام تا جایی پیش رفته است که آن‌ها خدایان خود را به شکل مار با سر انسان نیز نشان داده‌اند. این موضوع را در نقش مَه‌ره‌ای از جنس قیر طبیعی متعلق به دورهٔ سوکلماخ‌ها مشاهده می‌کنیم (هینتس، ۱۳۸۴: ۴۸). لیوان معروف از جنس سفال از ایلام، مربوط به اواسط هزارهٔ چهارم ق.م که دو نقش مار (شکل ۱۴) را در خود جای داده است و دسته‌بیلی کشف‌شده از معبد شمال شرقی چغازنبیل مربوط به قرن سیزدهم ق.م، از جمله آثار مهمی هستند که نقش مار در آن نمود پیدا کرده است. مار جانوری است که هم ذات و هم گوهر آن شناخته می‌شود. شاید همین دلیل است که نقش مار را در شمایل نگاری‌ها و آئین‌های ایزدان بزرگ باروری مشاهده می‌کنیم (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۷).

مار در میان بختیاری‌ها تقدس دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. آن‌ها اگر زن آبستنی در خانه داشته باشند، با استفاده از لاشهٔ بی‌جان مار، طبق یک رسم کهن که خود نمی‌دانند از کجا نشئت گرفته است، جنسیت آن را تعیین می‌کنند. هنگامی که یک مار کشته می‌شود، فردی با تکه چوبی آن را بلند کرده و بعد از نیت‌کردن، آن را به پشت سر پرتاب می‌کند. اگر مار هنگامی که به زمین فرود آمد، به همان حالت عادی درآمد، فرزند وی پسر خواهد بود و اگر برعکس و با شکم رو به بالا افتاد، بچه دختر خواهد بود. پرپییم کردن با مار، یکی از رسمی است که تاکنون در بین مردم بختیاری رواج دارد. چه‌بسا صحنه‌ای که در نقش برجستهٔ کورانگون می‌بینیم، همین واقعه را به تصویر کشیده باشد؛ بدین صورت که ایزد اینشوشیناک می‌خواهد با استفاده از ماری که در دست گرفته، در حضور جمع کثیری از بزرگان ایلامی، برای ایزدبانو نپیریشا تعیین جنسیت فرزند کند یا درحال اجرای مراسم پرپییم است؛ چراکه در کنار آثار زیادی از تصویر و مجسمهٔ زن، نقش مار از نقش‌مایه‌های رایج در هنر ایلام است (افخمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۳۶).

پوست‌انداختن مار در نظر ایلامیان باستان، نامیرا بودن و جاودانگی او را می‌رساند و چون در زیر خاک قرار دارد، نگهبان مردگان است. بختیاری‌ها معتقدند اگر کسی پوست‌انداختن مار را با چشمان خود مشاهده کند، از طول عمر بیشتری برخوردار خواهد بود؛ چراکه این پوست عوض کردن مار را نوعی تجدیدحیات تلقی می‌کنند و کسی که این صحنه را مشاهده کند، عمر بیشتری به روح و جسم او تلقین خواهد شد. وجود مار در خانهٔ بختیاری سبب خیر و برکت در دنیا و آخرت است. همچنین آن‌ها در مثل معروفی می‌گویند «مار، مُراد است»؛ بدین معنا که اگر کسی مار و ماهی را

بر نیروی شر و غلبه بر تفکر دیگران را از فواید دیگر همراه داشتن مهره مار برمی‌شمرند. مار در مذهب و فرهنگ ایلام جایگاه مهمی داشته و به‌طور قطع می‌توان گفت یکی از عناصر مذهبی پرکاربرد در هنر و مذهب ایلامیان به شمار می‌رفته است. بر اساس فراوانی نقش مایه مار در آثار دوره ایلام و همچنین مورد احترام و تقدس بودن این جانور در آداب و رسوم بختیاری‌ها، می‌توان گفت تقدس مار در بختیاری، ریشه در فرهنگ ایلامی دارد. دو استان خوزستان و چهار محال و بختیاری، به‌سبب دارابودن بیشترین جمعیت مردم عشایر بختیاری و همچنین ویژگی‌های زیست‌محیطی و وجود عنصر جانوری مار از گونه‌های مختلف، بیشترین سهم فرهنگی را در استفاده از این جانور دارند (جدول ۲).

باهم در خواب ببیند، ضمن اینکه زندگی آخری او در جهان پس از مرگ، در وضعیت مناسبی قرار خواهد گرفت، در این دنیا نیز رزق فراوانی عاید او خواهد شد. آن‌ها به هیچ‌وجه اجازه کشتن مار را به دیگران نمی‌دهند؛ چراکه اعتقاد دارند سبب از بین رفتن خیر و برکت و کاهش رزق و روزی می‌شود. به کسی که روی دست و پایشان مو<sup>۷</sup> می‌روید، توصیه می‌کنند خون مار را برای رفع آن به محل عفونت بمالند. بختیاری‌ها هنگامی که دو مار به هم پیچیده (درحال جفت‌گیری یا نبرد) را مشاهده می‌کردند، به‌سرعت به‌وسیله انداختن شولارقری<sup>۸</sup> بر مارهای به‌هم‌پیچیده، مهره او را می‌گرفتند. به اعتقاد آن‌ها همراه داشتن مهره مار، شانس و بخت را در پی خواهد داشت. تسلط

جدول ۲- تطبیق نقش مایه حیوانی مار در ایلام باستان با فرهنگ بختیاری. منبع: نگارندگان

جنبه مورد تطبیق در فرهنگ بختیاری	اثر ایلامی دارای نقش مایه مار
مفاهیم اعتقادی	۱. نقش مار در نقش برجسته کورانگان
مفاهیم اعتقادی	۲. سفالینه‌های دارای نقش‌های پیچیده مار از هزاره سوم و چهارم ق.م
مفاهیم اعتقادی	۳. مهر کوک‌ناشور اول، قرن هفدهم ق.م با نقش خدای نشسته بر مار
مفاهیم اعتقادی	۴. لوح سنگی اوناشگال که به‌وسیله مارهایی احاطه شده است
مفاهیم اعتقادی	۵. نقش مار کنده‌شده بر قیر طبیعی مربوط به دوره ایلام
مفاهیم اعتقادی	۶. نقش مار در سنگ یادمان اوناشگال کشف‌شده از شهر شاهی شوش
مفاهیم اعتقادی	۷. میز برنزی که دو نقش مار در دو طرف آن است
مفاهیم اعتقادی	۸. مهره‌ای از جنس قیر طبیعی، سلسله سوکلماخ‌ها
مفاهیم اعتقادی	۹. نقش مار روی لیوان سفالی شوش، اواسط هزاره چهارم ق.م
مفاهیم اعتقادی	۱۰. دسته‌بیل کشف‌شده از معبد شمال شرقی چغازنبیل، قرن سیزدهم ق.م

ایزد حیوانات، شاخ بر سر دارد و شاخ، علامت برتری و قدرت است. در زیر، نمونه‌هایی از این شواهد که اثبات‌کننده کاربرد گسترده شاخ در معماری مذهبی ایلامیان است، آورده شده است. این شواهد به‌خوبی نشان می‌دهد این شاخ‌ها همیشه طبیعی نبوده و در مواردی از جنس چوب و گاه از سنگ مرمر و فلز مس نیز برای ساخت انواع شاخ استفاده می‌شد. اثر مهر

## نقش مایه جانوری شاخ در ایلام باستان و نمود آن در فرهنگ بختیاری

بر اساس شواهد به‌دست‌آمده، شاخ یکی از عناصر شناخته‌شده و پرکاربرد در هنر ایلامیان باستان بوده که مهم‌ترین و گسترده‌ترین کاربرد آن نزد پادشاهان ایلامی برای تزیین مکان‌های مذهبی، مانند معابد، برج معبدها، قربانگاه‌ها و زیگورات‌ها بوده است. در ایلام،

یافت‌شده از دومین دوره شوش، بنایی را نمایش می‌دهد که سه جفت شاخ از طبقه فوقانی آن بیرون

زده است (شکل ۱۵). بنای مذکور با سه جفت شاخ بیرون‌زده از طبقه فوقانی (هینتس، ۱۳۸۴: ۶۵)



شکل ۱۶- نمایی از چند بنای یادبود یا مافه‌گه، کوهرنگ، روستای شیخ علی‌خان منبع: (نگارندگان)



شکل ۱۵- اثر مهر استوانه‌ای با نقش معبد دارای شاخ، موزه لوور از گل خام، نیمه دوم هزاره ۴ ق.م، شوش (امیه، ۱۳۹۴: ۱۰۴)

به سبکی با شاخ‌ها تزیین شده که بعدها در تاریخ ادامه یافت و نشانه‌ای از تقدس بنا و نیروی جاری خدا در شاخ‌ها به شمار می‌رفت که قابل انتقال به ساختمان دنیوی نیز بود. وجود شاخ‌ها بی‌تردید به شیوه‌ای تزیینی مربوط می‌شود که در طول چندین هزاره کاملاً تأیید شده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۱۵). شوتروک ناهونته دوم، پادشاه ایلامی، معبدی را بنا کرده و آن را به الهه پی‌نین کیر اهدا می‌کند و در کتیبه‌ای که از قبر شماره ۱۷ در جنوب شرقی آکروپل شوش کشف شده، از شاخ‌هایی سخن به میان می‌آورد که جهت تزیین معبد از آن‌ها استفاده کرده است. مضمون نوشته که بر خود شاخ‌ها نگارش شده، چنین است: «من شوتروک ناهونته، پسر هومبان نومن، شاه آنزان و شوش، توسعه‌دهنده سرزمین خود هستم. من معبد را از آجرهای لعاب‌دار بنا کردم و به وسیله شاخ‌های مرمرین تزیین ساختم. من آن را در اینجا نصب نمودم و به الهه پی‌نین کیر خدایم اهدا کردم» (konig, 1965: 146)

قالب‌گیری شاخ‌ها برای یک قربانگاه اشاره دارد (Konig, 1965: 106). در متون ایلام میانه که در کاوش‌های تل‌ملیان یافت شده، به ساخت شاخ‌هایی اشاره شده است (Stopler, 1984: 9-68). استیل معروف اونتاش ناپیریشا از جنس سنگ شنی که از شوش کشف شده و در موزه لوور نگهداری می‌شود، دارای چهار صحنه است که فوقانی‌ترین صحنه آن خدای اونتاش ناپیریشا را نمایش می‌دهد. وی در مقابل هومبان، خدای حافظ خود ایستاده است که دارای موهای بلند، تاج مزین با سه جفت شاخ حیوان و یک گوش گاو دارد. در سومین صحنه همین استیل، رب‌النوع آب نمایش داده شده است که تاجی با یک شاخ تزیینی دارد. در صحنه چهارم همین استیل، نقش خدای نباتات را با یک تاج شاخ‌دار مخصوص خدایان به نمایش گذاشته است (صراف، ۱۳۸۷: ۲۷ و ۲۸). تصویر دیگری که از کاربرد شاخ در میان ایلامیان می‌بینیم، مربوط به سر جداسده مجسمه الهه نارونته از سنگ آهک است که بر سر این مجسمه، الهه نارونته با موهای بافته‌شده در پشت سرش احتمالاً تاج شاخ‌داری نیز بر سر دارد (صراف، ۱۳۸۷: ۴۹). شیلهاک اینشوشیناک در کتیبه‌ای به بیست معبد

آشوربانیپال هنگامی که به شوش یورش برد، از شکستن شاخ‌هایی سخن می‌گوید که در زیگورات شوش بودند (Streck, 1916: 53). متنی از شیلهاک اینشوشیناک بر سنگ یادمانی باقی مانده است که به

اشاره کرده که با شاخ تزیین نموده و به خدای «لاگمال» اهدا کرده است (Hinze, 1964: 108). شیلهاک اینشوشیناک، پادشاه سلسله شوتروکی‌ها، در جایی دیگر، از تزیین معابد به وسیله شاخ چوبی سخن گفته است. کتیبه‌ای که به دستور وی روی یک استیل نقر شده و در ترانسه شماره ۱۵ و داخل یک قبر در سال ۱۸۹۸-۱۸۹۹ در جنوب آکروپل شوش کشف شده است (صراف، ۱۳۸۷: ۱۱۶ و ۱۱۷). همچنین به نصب شاخ در قربانگاه پلتیا اشاره دارد: «... دستور دادم استل‌ها، شاخ‌ها و کنگره‌ها را از مس و مرمر و چوب برای قربانگاه‌ها بسازند و سپس آن‌ها را در اینجا نصب نمودم» (Konig, 1965: 108, 44/9). برجسته‌ترین ویژگی معابد ایلامی، نصب سه شاخ عظیم بر دیوارهای دو سوی معبد بود. این عنصر، خاص بنای معابد در ایلام است و قبلاً در هیچ جای دیگری دیده نشده است. متون ایلام میانی نشان می‌دهد این شاخ‌ها (هوسا) بخش مهمی از بنای معبد به شمار می‌آمده است. شیلهاک اینشوشیناک از تعمیر بیست معبد شاخ به خود می‌بالد. در حدود ۶۳۹ ق.م آشور بانی‌پال، شاه آشوری، هنگامی که به شوش یورش می‌برد، اظهار می‌دارد که چگونه به فرمان او شاخ‌های پوشیده از مفرغ از زیگورات شوش به پایین کشیده شد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۴). به نظر می‌رسد استفاده از عنصر شاخ در بین‌النهرین نیز متداول بوده است. در نقش‌برجسته‌ای که از اتاقی در کاخ آشوربانیپال در نینوا یافت شده، برج معبد چهارطبقه‌ای که شاید زیگورات شوش باشد، نشان داده شده که شاخ‌هایی از دیواره‌های آن بیرون آمده است (Dombart, 1929: 101; Read, 1976: 17). این موضوع، ارتباط تنگاتنگ هنر این دو همسایه را نشان می‌دهد؛ بدین صورت که تاج شاخ‌دار در بین‌النهرین نماد خدایانی

چون خدای آنو یا آسمان، آشور و انلیل، رب‌النوع هواست (صراف، ۱۳۸۷: ۱۴۰)؛ اما باین‌حال، به نظر می‌رسد این عمل، یعنی کاربرد شاخ به صورت نصب بر دیواره‌های معماری معابد مذهبی، ابداع خود ایلامیان بوده است؛ چراکه عمده مراسم مذهبی ایلامیان در چغازنبیل اجرا می‌شد و بنا بر اعتقاد هرودا، ایلامی‌ها چغازنبیل را در شرایطی ساختند که هیچ‌گونه نفوذ معماری یا نفوذ مذهبی از جانب همسایگان غربی و شمال غربی خود، به خصوص آشوری‌ها و بابلی‌ها بر آن‌ها وارد نشده بود (Hrouda, 1971: 213). به عبارت دیگر، هیچ‌گونه شباهتی بین آن با زیگورات‌های بین‌النهرین دیده نمی‌شود (Woolley, 1939: 68).

(86)

مُرده نزد بختیاری از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ به همین دلیل، ضمن برگزاری انواع مراسم همراه با تشریفات و آداب و رسوم خاص، به تزیین مزار بعد از دفن مرده نیز اقدام می‌کنند. در بین آداب و رسوم بختیاری، استفاده از عنصر شاخ دیده می‌شود که این مورد، با آنچه در بین نقش‌مایه‌های ایلامی دیدیم، مطابقت زیادی دارد. بنای یادبود بختیاری‌ها، یعنی مافه‌گه<sup>۹</sup>، نقطه اوج شباهت این بناها با معابد و زیگورات‌های ایلامی در نصب شاخ محسوب می‌شود که در نقش مهر استوانه‌ای نگهداری شده در موزه لوور، از جنس گل‌خام، مربوط به نیمه دوم هزاره چهارم ق.م، کشف شده از شوش (آمیه، ۱۳۹۴: ۹۳) به وضوح دیده می‌شود. در نقش این مهر، بنای مذهبی ساخته شده بر یک صُفه نمایان است که تعدادی شاخ از دیواره‌های آن بیرون زده است و این حالت، تقدس بنایی را جلوه می‌دهد که در مافه‌گه بختیاری‌ها نمود پیدا کرده است. بختیاری‌ها روی مافه‌گه را با شاخ‌هایی تزیین می‌کنند که یادآور شکارهایی است که شکارچی انجام داده است. نقش فرد شکارچی، رئیس جنگی و

سنگ و ملات ساخته می‌شود و همانند مزار فرد متوفی، اطلاعات وی روی بدنه آن درج می‌شود. نصب شاخ در مافه‌گه دائم، ماندگار نیست؛ چراکه مافه‌گه‌ها در زمین‌های دور از منازل ساخته می‌شوند و ممکن است بعد از نصب شاخ بر آن‌ها به دلایل مختلفی از بین بروند. بختیاری‌ها هنگام بستن کُتل برای شکارچی تازه‌درگذشته، شاخ‌های شکار وی را نیز در صحنه حاضر می‌کنند. با این حساب، می‌توان نصب عنصر جانوری شاخ بر مافه‌گه‌های بختیاری را در شواهد و آثار به‌جامانده از فرهنگ و تمدن ایلام باستان، خصوصاً نقش‌مایه‌های موجود در معماری معابد مذهبی آنان عیناً مشاهده کرد. وجود و کاربرد نقش‌مایه جانوری شاخ در بختیاری به نحوی که ذکر شد، در مناطق روستایی و عشایری، بیشتر از سایر مناطق مشهود است. از جمله مهم‌ترین دلایل آن را می‌توان پرنگ برگزار کردن مراسم مذهبی بعد از مرگ برای بزرگان و همچنین وجود شکارچیان و کوه‌های مملو از جانوران شاخ‌دار در این مناطق به شمار آورد (جدول ۳).

روحانی یا ارباب حیوانات که آمیبه از تکرار آن بر قطعات کوزه‌ها نیز صحبت به میان آورده است، روی این مَهر دیده می‌شود. شکارچی بختیاری وقتی کُل انداخت، سفارش می‌کند شاخ آخرین شکار خود را که معمولاً قوچ است، در مافه‌گه وی یا حتی بر سردر دیواره‌های محل سکونت خود نصب کنند. همچنین تعداد زیادی مقبره شکارچی در جغرافیای بختیاری وجود دارد که سنگ مزار آن‌ها منقش به صحنه‌های شکار است. پیوند ناگسستنی معماری مافه‌گه بختیاری با معابد ایلامی انکارناپذیر است. بنای یادبود مافه‌گه (شکل ۱۶) به دو صورت دائم و موقت ساخته می‌شود. مافه‌گه موقت هنگام برگزاری مراسم برپا می‌شود؛ بدین ترتیب که برگزارکنندگان در حین انجام مراسم عزاداری یا کمی قبل از آن، اقدام به ساخت بنایی موقت (عموماً با چوب یا میله‌های آهنی) به شکل مکعب‌مربع یا مکعب‌مستطیل می‌کنند و سپس شاخ‌های باقی‌مانده از شکارهای شکارچی و همچنین سایر ابزار شکار و رزم شکارچی متوفی را روی آن قرار می‌دهند. مافه‌گه دائم نیز بنایی است که عموماً با

جدول ۳- تطبیق نقش‌مایه حیوانی شاخ در ایلام باستان با فرهنگ بختیاری. منبع: (نگارندگان)

جنبة مورد تطبیق در فرهنگ بختیاری	اثر ایلامی دارای نقش‌مایه شاخ
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۱. اثر مَهر استوانه‌ای از جنس گل‌خام مربوط به نیمه دوم هزاره چهارم ق.م یافت‌شده از دومین دوره شوش
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۲. کتیبه قبر شماره ۱۷ در بخش جنوب‌شرقی آکروپل شوش
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۳. استیل اونتاش‌ناپیریشا از جنس سنگ‌شینی مکشوفه از شوش
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۴. سر جدا شده مجسمه الهه نارونتی از جنس سنگ آهک
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۵. اشاره به بیست معبد تزئین‌شده با شاخ توسط شیلهاک اینشوشیناک پادشاه سلسله شوتروکی‌ها در دوره ایلام میانه
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۶. کتیبه نقرشده بر استلی کشف‌شده در ترانشه شماره ۱۵ و داخل یک قبر در جنوب آکروپل شوش
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۷. ساخت و نصب شاخ روی معبد دورانتاش یا زیگورات چغازنبیل
اثر ملموس: مافه‌گه - کُتل	۸. نقش برجسته کاخ آشوربانی‌پال در نینوا با نقش زیگورات شوش دارای نقش شاخ

هانی در نقش برجسته شماره ۳ اشکفت سلمان یا نیایشگاه تاریشا، بعد از معرفی خود می‌گوید: «... من متضرعانه قربانی کردم» (صراف، ۱۳۸۷: ۱۲۶ و ۱۲۸). نقوش اثر مهر ناقصی که از هفت تپه خوزستان مربوط به ۱۴۰۰ ق.م به دست آمده است، نقش یک صحنه پیشکش حیوان قربانی به حضور خدا را نشان می‌دهد (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۲۴). چنان‌که والتر هینتس اشاره دارد، حیوانات لازم برای قربانی در مراسم ایلامیان، همیشه از میان رَمه‌های سلطنتی انتخاب می‌شدند (هینتس، ۱۳۸۴: ۶۹). بختیاری‌ها همیشه بهترین حیوانات خود را نذر می‌کنند، تا جایی که این موضوع در ضرب‌المثل‌های آن‌ها هم نمود پیدا کرده است: «بز تیره به نرزه پیره»؛ یعنی بهترین بزم را نذر معبد یا امامزاده می‌کنم.

برای قربانی کردن در میان بختیاری‌ها بهانه‌های فراوانی وجود دارد. آن‌ها برای شفای افراد مریض، ضمن نیایش به درگاه خدای خود، برای برگشت مسافر از سفر و برای دورشدن بلا از فرزند و خانواده و همچنین برای دفع بیماری و کسی که خطری سخت از جان و مال او گذشته و به‌واسطه لطف خداوند به او ضرری نرسیده است، قربانی می‌کنند.

همان‌طور که دیدیم، هدف از نذر و قربانی در بین مردمان ایلام، شباهت زیادی با آنچه در بین مردمان بختیاری می‌بینیم، دارد که در نهایت، هدف همه آن‌ها جلب رضایت خدای خود است که بدین واسطه به آن‌ها رحم کند یا نظر داشته باشد اگر قرار است بلایی بر سر آن‌ها بیاید، به حیوانی بزند که در راه او قربانی شده است. ایلامیان برای جلب رضای الهه‌ها و خدایان، شکست رقیبان، مصون‌ماندن کشور از انواع بلاها و خشم و غضب، نذر و قربانی می‌کردند و این همان چیزی است که در بختیاری‌ها، کاملاً نمود پیدا کرده

## حیوانات قربانی و نذری در ایلام باستان و نمود آن در فرهنگ بختیاری

اهدای حیوان قربانی با حضور خدایان، در تمدن‌های بین‌النهرین و ایلام رواج دیرینه‌ای داشته که از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای رفع بلا و رسیدن به حاجات استفاده می‌کردند (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۱۵۹). ایلامیان دلایل مختلفی برای قربانی کردن حیوانات داشتند، از جمله نیروگرفتن خدایان (سرخوش‌کرتیس، ۱۳۷۳: ۱۶)، غلبه بر دشمن، پیشگویی با اعضای بدن قربانی (هینتس، ۱۳۸۴: ۱۷)، نذر و قربانی برای مردگان، سپاسگزاری از خدایان در نبردها، خون‌ریزی در معابد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۳) و یاری‌گرفتن از خدایان برای رفع بلاها. ذبح حیوانات همراه با مناسک خاصی در معابد صورت می‌گرفته و طی آن، نوازندگان به مراسم، حالت جادویی و خلسه می‌دادند (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۱۵۹ و ۱۶۰).

مردمان بختیاری هنگام قربانی کردن حیوانات و اجرای مراسم مذهبی خود، اعتقادات ویژه‌ای دارند که به‌تبع آن، اعمال خاصی را نیز انجام می‌دهند. نمود این اعمال در صحنه‌های مذهبی حک‌شده بر آثار ایلامیان مشاهده می‌شود. احتمالاً قربانی کردن جزئی از مراسم روزانه در معابد ایلامی بوده است (هینتس، ۱۳۸۹: ۶۸). هانی، پادشاه محلی آیبیر، ضمن معرفی خود در نقش‌برجسته‌های صخره‌ای شماره ۱ و ۲ در کول فره ایذه، بعد از اینکه از حمایت خدایان برخوردار می‌شود، بزهایی را در راه آن‌ها قربانی می‌کند: «... من در شیل‌هی تی ۱۲۰ بز کوهی گرفتم و خونشان را در آیبیر برای خداوند در ساختمان به کار بردم... آنگاه در اینجا جشن گرفتم. ۸۰ بز کوهی را گرفتم، خونشان را در آیبیر در راه خداوند استفاده کردم» (Hinz, 1962: 106-111).

است. نذری و قربانی در میان همهٔ مردم بختیاری، خصوصاً مردم دو استان خوزستان و چهار محال و بختیاری به دلیل اینکه هنوز قالب زندگی سنتی خود را حفظ کرده‌اند، بیشتر از سایر مناطق مشاهده می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴- تطبیق نقش‌مایهٔ حیوانات مرتبط با قربانی و نذری در ایلام باستان با فرهنگ بختیاری. منبع: (نگارندگان)

اثر ایلامی دارای نقش‌مایهٔ مرتبط با حیوانات قربانی و نذری	جنبهٔ مورد تطبیق در فرهنگ بختیاری
۱. نقش‌مایهٔ حیوانات و اشاره به قربانی شمار زیادی بُر توسط هانی پادشاه محلی آبابیر یا ایزده کنونی در نقش‌برجسته‌های شمارهٔ ۱ و ۲ در کول‌فره ایزده	انتقال مفاهیم اعتقادی و نظری، نذر و قربانی
۲. نقش‌مایهٔ حیوانات و اشاره به قربانی کردن آن‌ها از سوی هانی در نقش‌برجستهٔ شمارهٔ ۳ نیایشگاه تاریشا یا اشکفت‌سلمان در ایزده	انتقال مفاهیم اعتقادی و نظری، نذر و قربانی
۳. نقش‌مایهٔ پیشکش حیوان قربانی به حضور خدا حک‌شده بر اثر مُهر ناقص کشف‌شده از هفت‌تپهٔ خوزستان مربوط به ۱۴۰۰ ق.م	انتقال مفاهیم اعتقادی و نظری، نذر و قربانی

### نتیجه‌گیری

امور پزشکی و شانس و اقبال به‌واسطهٔ همراه‌داشتن مهرهٔ مار نمایان شده است.

استفادهٔ وسیع از نقش‌مایهٔ جانوری شاخ در مراسم و معماری معابد مذهبی ایلام و نمود آن در فرهنگ بختیاری و نصب و تزیین بر دیواره‌های بنای یادبود مافه‌گه و یا نصب بر دیوارهای خانهٔ شکارچی از دنیارفته، همچنین استفاده از آن در تزیین کُتل فرد تازه‌درگذشته مشهود است. بدین ترتیب، استفاده از نقش‌مایهٔ جانوری شاخ در آثار فرهنگی تمدن ایلام باستان با کاربرد آن در مراسم و فرهنگ مذهبی قوم بختیاری قابل تطبیق است.

وجود نقش‌مایه‌های مربوط به قربانی و نذری حیوانات در آثار فرهنگی ایلام باستان قابل اثبات است. هدف از قربانی و نذرکردن حیوانات موجود در این نقش‌مایه‌ها با رفتارهای دینی و مذهبی فرهنگ بختیاری‌ها مانند نذر حیوانات برای محفوظ‌ماندن خانواده و فرزندان از انواع بلاها، شفای افراد مریض، برگشت مسافر از سفر، قربانی برای کسی که خطر بزرگی جان و مال وی را هدف قرار داده، اما به‌واسطهٔ لطف و توجه خداوند گزندى به او نرسیده است، پیروزی در نبردها و غلبه بر دشمن، برداشت محصولات کشاورزی، مددطلبی از

با بررسی و واکاوی نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات موجود در ۳۲ اثر باستان‌شناختی از تمدن ایلام باستان و تطبیق آن‌ها با فرهنگ بختیاری، نتایج زیر حاصل شد:

نقش‌مایهٔ جانوری شیر با استناد به نقش شیر در آثار و شواهد به‌جامانده از تمدن ایلام باستان و تداوم آن به‌صورت یک اثر ملموس با نام بُردشیر در فرهنگ بختیاری و بر قبور آن‌ها در دو استان بختیاری‌نشین خوزستان و چهار محال و بختیاری کاملاً مشهود است. نقش‌مایهٔ جانوری مار در آثار فرهنگی به‌جامانده از تمدن ایلام با استناد به نقش مار در نقش‌برجسته‌ها، سفالینه‌ها، لوح سنگی و... مشهود است. نمود گستردهٔ این تقدس در فرهنگ بختیاری و رسوم دینی مذهبی، اعتقادات و زندگی روزمرهٔ آن‌ها مانند تعیین جنسیت فرزند با استفاده از لاشهٔ بی‌جان مار، پرپییم‌کردن افراد و کودکان توسط شیخ مارگیر به‌منظور حفاظت از چشم‌زخم، مریضی و همچنین دعا برای عاقبت به خیری پس از مرگ، رزق و روزی و طول عمر بیشتر به‌واسطهٔ دیدن صحنهٔ پوست‌انداختن مار، خیر و برکت به‌واسطهٔ دیدن مار در خواب، استفاده از خون مار در



فرهنگ قوم بختیاری در این پژوهش به دست آمده است، در میان عشایر بختیاری ساکن در استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان و در آداب و رسوم مربوط به امور مذهبی و زندگی روزمره آن‌ها رنگ‌وبوی غلیظتری دارد. از آنجاکه قسمت وسیعی از جغرافیای عشایر بختیاری در کوهستان‌های دو سوی زاگرس و جلگه خوزستان در همان جغرافیای ایلام قدیم قرار دارد و به تبع آن، از تعامل کمتری با شهرهای پیشرفته اطراف برخوردار است، موجب شده به سنت و فرهنگ نیاکان و گذشتگان خود پایبند باشند و در اجرای فرهنگ خود اهتمام ورزند. بختیاری‌ها با وجود تحولات و تبادلات فرهنگی میان اقوام و گذشت زمان، همچنان توانسته‌اند مفهوم نقش‌مایه‌های موجود در آثار ایلامی را سینه‌به‌سینه به فرهنگ نسل‌های بعد انتقال دهند.

خدا به‌منظور قوت‌گرفتن در انجام کارها، تولد فرزند، بردن تازه‌عروس به خانه بخت، مراسم عروسی و عزاداری، ختنه‌سوران، برآورده‌شدن مُراد و آرزو یا به دست آوردن مال یا شخص دلخواه، تطبیق‌پذیر است. به‌طور کلی، نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در ایلام باستان، به دو صورت در فرهنگ بختیاری نمود پیدا کرده است: یکی، انتقال مفاهیم اعتقادی و نظری که به صورت‌های مختلف و جزئی از فرهنگ بختیاری درآمد است؛ مانند تعیین جنسیت فرزند با استفاده از لاشه مار و قربانی انواع حیوانات برای رفع بلا و دیگری، به‌صورت آثار ملموس، مانند نصب بردشیر بر قبور بزرگان و استفاده از عنصر جانوری شاخ در معماری و مراسم مذهبی. مفهوم و اساس آن چیزی که از بررسی و تطبیق نقش‌مایه‌های مرتبط با حیوانات در آثار ایلامی با

## پی‌نوشت

- 1) Hauser
- 2) Jacques de Morgan

## فهرست منابع

- آمیه، پیر (۱۳۹۴)، تاریخ عیلام، مترجم شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- ارفعی، عبدالمجید، علیزاده، عباس (۱۳۸۷)، بختیاری‌ها ایلامیان جدیدند، زاگرس ایران، ۴۸۴: ۹-۸.
- افخمی، بهروز، خسروی، زینب (۱۳۸۶)، پدیدارشناسی ازدواج با محارم در دوره‌های ایلام باستان و هخامنشی، زن در فرهنگ و هنر، ۹ (۳): ۴۲۹-۴۵۱.
- الیاده، میرچاه (۱۳۷۲)، رساله در تاریخ ادیان، مترجم جلال ستاری، تهران: سروش.
- ابراهیم‌زاده، فرزاد، مبینی، مهتاب (۱۳۹۲)، دستاوردهای باستان‌شناسی استان خوزستان با نگاهی به مهرهای استوانه‌ای، باستان‌شناسی ایران، ۱۴: ۴۹-۴۱.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۰۸)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، مترجم حمزه سردادور، تهران: اتحادیه ایران.
- باقری نسب، نبی‌الله (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی مراسم اجتماعی بختیاری‌ها با نمونه‌های باستانی آن در تاریخ ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر.
- بیشوپ، ایزابلا (۱۳۷۵)، از بیستون تا زردکوه بختیاری، مترجم مهراب امیری، تهران: سپند.
- پاتس، دنیل (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، مترجم زهرا باستی، تهران: سمت.
- پرادا، ایدات (۱۳۹۱)، هنر ایران باستان، مترجم یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.

- دیگار، ژان (۱۳۶۹) ، فنون کوچ-نشینان بختیاری، مترجم اصغر کریمی، تهران: آستان قدس رضوی.
- درخشی، حسن، حقیقت، علی، خراسانی، مصیب (۱۳۹۱) ، تعیین عرصه و حریم محوطه سومری شهرستان لالی استان خوزستان، باستانشناسی ایران، ۹۵-۸۲.
- راشدمحصل، محمدتقی، شکبیا، فهیمه (۱۳۹۱) ، پیشینه نقش مار در عیلام و جیرفت و تصویر آن در آئین زرتشتی، پازند، ۲۸: ۳۷-۱۵.
- زنده-دل، حسن (۱۳۷۹) ، جلوه‌های جهانگردی عشایر، تهران: نشر ایرانگردان.
- سرخوش-کرتیس، وستا (۱۳۷۳) ، اسطوره‌های ایرانی، مترجم عباس مخبر ، تهران: مرکز.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۸۷) ، مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰-۵۰۰۰ سال پیش)، تهران: سمت.
- عبداللهی، مصطفی، نوراللهی، داریوش، گراوند، افراسیاب (۱۳۹۲) ، عصر یخبندان کوچک و تأثیر احتمالی آن بر الگوی اسکان کوچ-نشینان دوره اسلامی متأخر شمال خوزستان، باستان-شناسی ایران، ۲۵: ۷۷-۶۳.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۷) ، شکل-گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- فرزین، علیرضا (۱۳۸۴) ، گورنگاره‌های لرستان (پژوهشی مردم شناختی در نقش و مضمون سنگ-گورهای لرستان)، تهران: پژوهشکده مردم شناسی میراث فرهنگی و گردشگری لرستان.
- قنبری عدوی، عباس (۱۳۹۴) ، شیرسنگی (پژوهشی درباره شیرسنگی در بختیاری)، شهرکرد: نیوشه.
- کابلی، میرعابدین (۱۳۷۳) ، شوش و میراث باستانی دشت شوشان. نشریه میراث فرهنگی، ۱۲: ۱۳۸-۱۱۹.
- کوهزاد، اردشیر، خراسانی، مصیب (۱۳۹۶) ، تداوم سنت های عیلامی در ایل بختیاری، سومین همایش ملی باستان شناسی ایران، دانشگاه بیرجند، ۷۹۷-۷۸۵.
- لاپارد، سیر اوستن-هنری (۱۳۶۷) ، سفرنامه لاپارد یا ماجراهای اولیه در ایران، مترجم مهرباب امیری، تهران: وحید.
- محمدی-فر، یعقوب (۱۳۷۵) ، پژوهشی نو در سبک و کاربرد پیکره-های انسانی ایلام، پایان-نامه کارشناسی ارشد باستان-شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۷۵) ، بررسی نشانه-های تمدنی نقوش حیوانی روی مهرهای استوانه-ای ایلام، پایان-نامه کارشناسی ارشد باستان-شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰) ، تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۹) ، تاریخ و تمدن بین-النهرین (تاریخ فرهنگی اجتماعی) ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶) ، تاریخ تمدن ایلام، تهران: دانشگاه تهران.
- مومنی موگویی، محمد (۱۳۹۲) ، شهید علیمردان-خان بختیاری (اسطوره مانای استبداد ستیزی مردم لر)، ویژه-نامه شهید علیمردون-خان بختیاری (نشریه اجتماعی فرهنگی لور)، ۲۲-۱.
- نگهبان، عزت-الله (۱۳۷۲) ، حفاری هفت-تپه دشت خوزستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ویلسن، آرنولد (۱۳۴۷) ، سفرنامه ویلسن، تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب-غربی ایران، مترجم و تلخیص حسین سعادت نوری، تهران: وحید.
- هاوزر، آرنولد (۱۳۶۲) ، تاریخ اجتماعی هنر، مترجم امین مویدی، تهران: دنیای نو.
- هینتس، والتر (۱۳۸۴) ، دنیای گمشده ایلام، مترجم فیروز فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- هینتس، والتر (۱۳۸۹) ، شهریار ایلام، مترجم پرویز رجبی، تهران: ماهی.

Bartth, Fredric (1961), Nomads of South Persia, London: Allen and Unwin.

- Beck, Lois (1986), The Qashqai, New Haven: Yale University.

- Dombart, T (1929), Das Zikkuratrelief aus Kujundschnik, 38: 39-64.

- Garthwaithe, Gene R (1983), Khans and Shahs: A Documentary Analysis of The Bakhtyari in Iran, Cambridge: Cambridge University.

- Hrouda, B (1971), Vorderasien I. Munchen.
- Hinz, W (1962), Die Elamischen Inschriften des Hanne, in A Locusts Leg Studies in honour of S.H. Tagizadeh, London: 105-116.
- Hinz, W (1964), Das Reich Elam, Stuttgart.
- Konig, F. W (1965), Die Elamischen Konigsinschriften. in Archiv fur Orientforschungen, 16, Graz.  
Oberling, Pierre (1974), The Qashqai Nomads of Fars, The Hauge: Mouton.
- Read, J.E. (1976), Elam and Elamites in Assyrian sculpture, 9: 97-105.
- Stolper, M.W (1984), Texts from Tall-i Malyan, I Elamite Administrative Texts (1972-1974). Philadelphia: Occasional Publication of The Babylonian Fund 6.
- Streck, M (1916), Assurbanipal und die letzten assyrischen Konige bis zum Untergange Ninivehs, (3), Leipzig: Hinrichs.
- Woolley, S, L (1939), Ur Excavations, The Ziggurat and its Surroundings V, New York.